

صاحب امتیاز و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل اردلان

دوشنبه ۲۴ تیر ۱۳۳۵  
۱۵ خرداد ۱۳۳۵  
۱۵ ذی‌حجه ۱۳۳۶

روزنامه هفت‌شنبه حزب و جنبش سوسیالیستی تهران

# کوشش نامشغلی

## نتیجه مذاکرات ادراسقز باید دید

صبح روز سه‌شنبه گذشته آقای فاضل مصدق پس از فریب‌دوخته و نطق در تهران، با هواداران سوسیالیست گریز نودیده و با وجود اینکه راجع به توافق با ایشان می‌گفتند هنوز از طرف دولت راجع به مذاکرات و نتایج آن اظهار می‌نمودند.

آنچه سلامت آمدن آقای فاضل مصدق و مذاکرات ایشان با دولت برای بحث در اطراف وضع میاد و کردستان نشان می‌دهد زیر سر و شک این ناحیه را دولت ضمن موافقت نامه‌ای که با ایالت آذربایجان امضاء نمودن تعیین و ثبت کرده و جو اطمینان و توافق نظرهای معلوم مذاکره کرنی ضرورتی نداشته است.

نوازش تحت که نگذردیم اوضاع سفر و پایه و سرحدت و نیز که قوی دولتی در این نواشی جلب توجه نماندند سرسودها و تصانیف‌های که اجرا اهمیت نهیست کردستان‌شالی واروین نیروهای دولتی با قوای دموکرات‌ساز چش و می‌گردد و قطعاً یکی از مسائلی که مورد علاقه دولت بوده و خواست بنسوزنایب بخش‌ها شود همین موضوع بوده است.

اگر چه مذاکرات امر بر گرفته نوجه نامتیم خواهد بود که در نیز که قوی دروایان ناحیه دولت پیشقدم بوده و در مسائل که دستکرات‌های کردستان قوای در قسمت ایالت‌شالی ناحیه مقروض با نوسر داشت نداشته اند با شتاب عیبی لشکر کردستان تقویت میشد و سیزن سرباز و مهمات بود که باین نواشی اعزام می‌گردید در همان موقع بدو وقت دیگر در این جهت نیز که در منطقه ستر موجب خواهد شد که از کردستان‌شالی هم در مقابل نیروی های اعزامی مرکز قوای برای مدافعه احتمالی فرستاده شود و در مقابل نواشی که اوضاع این ناحیه بی‌توجه خواهد رفت ولی مانند تمام پیش‌بینی‌های که در اوج این اعزام می‌نمودند و بی‌توجه از طرف بدوالت می‌پنشناید گردیدیم و گوش‌نماده‌اندیم باین تذکره هم توجهی نند و عاقبت هم در نتیجه نتایج حاصله چه بود.

اگر چه بیاژه تلاش‌های مستمره برای کشتن حلقه‌ای ادامه دارد و کسانی که مدت بیست سال و خاطر مبارک

## مختصری در باره تلگراف آقای آصف

تلگرافی که آقای آصف هم‌اکنون کرده بودید هفته گذشته از نظر خواننده گان گذرانیدیم و چون تلگراف در موفقیه صحت روزنامه بنده می‌شد واصل گردید بحث در اطراف آن را به این شماره موقوف نموده بودیم. قرار اینکه نظر به خود را با اطلاع خواننده گان بر سایرین خواست‌مقدمه‌بنگی از جوانان سیرش شور و اصلاح طلب کردستان را که قطعاً حاکمان زیادی دارد در این موضوع برای شما در اینجا نقل نمایم.

دوست ما که در باره کردستان مستوای کشت با براین را بخازین هموی ایجاد کردید از همین ساعت دو کرات‌های کردستان که دست خریف و خواننده بودند بر روی خود را در شیطانی این منطقه منتشر کردند و هر قدر بر میزان برتری دولتی ازاد می‌شد آنها هم قوای خود می‌خواستند. باین ترتیب مقدمات تضادهای غیر منتظره فراهم شد در همین مواقع ماسی نوشتم تویپ و تفنگ فایده‌نم‌دارد، اعمال زور تویپ نواهد رسیده سنی کتبه از ارام‌الاحزان قلب مردم را بدست بیابوردی اگر قلب هزار اسخر گردیدیم به فانی آمده‌اید می‌گفتم عشایر کردستان خوبی را بیخالی اینکه برای جنگ با مردم کردستان در صف اول قرار فدیوس مسلح نگذردیم بگذرانیدیم باینکه از دولت می‌خواستیم خود مسئول باشنیم کسی گوش ندادند! دو هفته قبل عدای از آنها را خلق صلاح گردانید کسی نبود برسد برای اصلاح دادید و چرا حالا می‌گویید.

این تفکرات ما بصدق آنها نیکه کیسه‌ها خفته بودند که از بول‌های لشکر کشی‌ها آنها را بر نماندند خوش نشی آمد آنها مخالف می‌بودند زیرا ما می‌گفتم این چراغ را در راه فرستاده همی و همان را بادی بنیاید و بیم داشته که روزی دولتی عرفیاً گوش دهد از اینجند از هر طرفی که می‌خواستند ما در مقابل ارتش و نوشته‌های مارا موجب تضییع ارتش می‌شوند نه جد تبلیغی اگر کرده که ما باین کیفیت‌ها مغز شویم خلق از آنکه در نوشته‌های ما جز حقیقت و سلاخ ارتش چیزی نیاید بود. اینها از نظر ارتش از خود متناع بودند شک‌های گنده و طبع و اشتیاقی سرخار خود بخوردن بول می‌دانستند در صورتی که ما ارتش را در سازمان‌های ما حافظ

تلگراف در هفته گذشته منتشر نمود.

# دنیایو ایران در هفته پیش

## سروشخت جهان

بر اثر نزول آتوم آفلاهی و تیرتار هشی که در تقاضای سیاسی جهان چه پیش از جنگ اخیر و چه پس از پایان آن تاکنون انجام شده است بامتن بدون سر و مدارشراطی برای وحدت کامل سیاسی و اجتماعی ملی گیتی و زمینه های جهت هم آهنگی و همفکری کف ملت های مختلف آماده میگردد.

با مدتها پیش نوشتیم علی رغم کوششهایی که صد کج فکر برای تیرتار و اوضاع آن در گردن کردن حقایق سیاسی جهان میزول میبارید ...

و نوع جنگ دیگری صورت گرفته کشته غیر قابل قبول است و بسیاری اذیت نظریه خود، منظره از دورانی امراتوری بر تاپایا و گوشه از مشتاقان جهان آتوم را که همفکری و صمیمت غیر قابل انکار ی ذاتا و طبیعت در آن وجود دارد بر سر هم زندنا برای اینکه ضمن یک فعل و بحث رمانتیک انشکار خودنشان کردن خرد را بساهت و اسان بر ویلاکت و دوروزاری باشتر که برای روشن شدن حقایق با سر سختی و ناد عیبی، با پی دهمای مسلم اجتماع و مسیر جیتی تاریخ را نیز دگرگون جلوه میدهد، رده کرده که بر بیانات سیاسی و متعلقه ای با یک طبق ادعا و نشر متعلقه ای بر ویلاکت های ابریا مسلم منته شده آتوم، خواهد بود و طوفان نبردهای سیاسی موسوم و تند باد حوادث سیاسی آتوم از آن متعلقه خرد یاری محکوم به نیستی قسم میکند شبح سر نود و شصت نایت بیگمنی این افکار بی ادج جز یک ایدال متصوره چیز دیگری نیست



## جنگ جهانی سوم از کجا شروع خواهد شد؟

از: ارفا - آ - آسیا - اروپا - آلبانوسه - آمریکا در کدام جهت: شمال

شرق - غرب

جنوب

از این آید ده منطقه حیوان

جنگ آتومده خواهد بود یا اخیر ۱۹

فلسطین - مصر - اسپانیا

آلمان - چین - هند - یونان

ایتالیا - ژاپن - یا یا یک قتله

تا معلوم دیگر ...

بهیست دیگر اگر جنگی انسان

بیند از این جنبه و از آن چهار

جهت و غیر از این دهه و تا آن

آورد نماینداتی متنی صامی را که در بنا بردهای کمر ناون از آن موقع شروع بجیش نموده در صایب متصرفه رانیز با آن جمع تفرقه سیاست جهانی امپریالیزم را بر آن افکند کرد ولی در مقابل این مخالفت با شروع کرد

رستاخیز ملی اخیر یعنی اتراف اجزاب ملی را که بر طبق پانگفته همین و معلوم ابراج گرفته وبا یکدیگنا امیدو اطمنان همراه است بشنوان یک رف و نظریه آزان گسرتود بسایین جمع و تفکر سیاسی در ضمن اینکه هر یک از این دو بیرو مستقل از دیگری شروع و بتظاهر می کنند با تاویدی کامل نیروهای فرود و نسو نوسه افکار و تیروی آزادی اسودار بودویس

برقیه بر چون ایجاد چهی متلف اجزاب آزادی بود و این امر استثنای آتیته در عین اینکه صرف اصلی ترین معاضه اجتماعی است بر دو نقطه مفاکرین سنگر معکس است برای خود گردن مؤسست حریف از هر نظر بایه منظر بود که برای تأمین آزادی و استقلال تمیم دو کراسی در کیه تا طاق ایران و آتیته خلیس ریدیه استلاف مهمترین نتیجه مؤسلف است اجزاب آزادی بود و جز دو کرات آذربایجان و جز دو کرات کردستان و جز دو کرات ایران آگر آزادی است مادی بیرون بد علی و یک بهیاد و اعه من شکل گردد

در غرب چه میسر است؟  
 از امرای من شهر بیرو سیرکرات کردستان هنوز چیزی از خبر نرسیده ولی باید منتظر نتیجه مذاکرات در منطقه سد بود

نظر کلی به وروداد جهان کفرانس پاریس مسئله آلمان کفرانس پاریس پایان رسید و چند روز آخر آن مشر مذاکراتان کفرانس در حول محور آلمان و اتریش دور میزد است. در جلسات نهایی کفرانس موفیق این موضوع مطرح بود یوسود مولوتف از طرح پیشنهادی برنامتع و اظهار نمود که باید بجای ۵۰ سالیگه در این طرح برای علاج آلمان پیش بینی شده تا ۱۰ سال این رقم افزایش یابد. مولوتف ضمن اظهار نمود که برای تکیه ایی علی پیش از هر چیز باید بسنه لزوم علاج سلاح کامل و این بین روح نظامی آلمان و همچنین تحت نظر پاریس کردن تمام صنایع آلمان که ممکن است برای تهیه اسلحه بکار رود توجه گردد.

مشر بر این طرح را پیشنهاد نمود که در برابر آلمان بشنوان یک پانوه اقتصادی رفتار شود و معمول آن کشور بشور ندادل در هر چهار منطقه تصرفی توزیع گردد. بر حال فرانسه در آخرین دفاع کفرانس با پیشنهاد آمریکا موافقت رفیق مولوتف نیز با همین تبیین رفیق سنک فرانسه روی موافقت نشان داد وضعت منطقه را بیرون نشود بطولبر و کلی حلیات سیاسی این کفرانس را

انستور متیوان کلاسه بود

۱ - در مورد شصت مرات ایتالیا تصیم کلی گرفته شد

۲ - ترست یک منطقه بین االیی شانه شده ولی این موضوع هم در اعتراض مردم ایتالیا و هم ملت بوکلاوی است

۳ - در خصوص آلمان ماده از توافق نظر حاصل شد

۴ - نسبت به کنگره صلح در طرح پیشنهادی شوروی داور به عدم دخالت بین در ارمال همونامه مقرر شده که بر تابه کفرانس صلح را خود کنگره تبیین نماید

در یکسال پیش در کفرانس پیشنهادی دول بزرگ برای گرفتن اذیت تنظیم سیاسی ایتالیا صلح را و وزراء خارج دولت حصول دارد - ۴ - ولی در کفرانس اخیر هم دعوت بین تا ملی مارمولت یکی از تقاضای سیاسی مهم بود که

بر ازماده از لحاظ تالی سیاسی جهان عموما آوان منطقی که بیشتر تقاضای سیاسی جهان ملول آست قابل اهمیت است

در کفرانس در معلوم صلح کفکور هائی که برای کنگره دعوت شده اند میبایست پیش نوبس ائی تهیه شد و ا برسی کتند و تمامی ائی دولت تا ۲۶ روز بایه در پیش حضور خواهند داشت وایت پیشنهادی پس از قبول بیروت بزرگ تصویب کنگره صلح قرار است به تصویب سازمان ملل متفق برمه است اما صلح دعوت دولت بین و اسرار رفیق مولوتف را در انستور بصحوص متیوان انستور تفسیر نمود که یکی از مهمترین خصوصیات آن در کفرانس ائی و وزراء خارج بود و در تالی همفکری انگلیس و آمریکا در ناسی سلال و بیطرفی فرانسه در افای موارد بودی است رفیق مولوتف روی یک محاسبه دقیق وضعی شخص ترجیح داده است بجای اینکه با صدور بین یک حرفه ایز بر دو طرف موجود دیگر اتراف کتد اصولا از دعوت این عامل محال بده مانع گردد بر حال با توجه به این معاضه دقیق و ماهیت کفکور هائی که برای کنگره صلح دعوت شده اند متیوان و سیاده خلی زیاد به نتایج کنگره صلح اسودار بود

۱۴ ژوئیه

از ژوئیه تا رجب است که مردم آزاد فرانسوی دژ امان با شتر را سر نکون بودند

این تاریخ و پیدایش آن با یوشکی منصوص کتد روح ملت نظرمه در اورد هواد مردم در تجلیل جاپایان بود است

و دعوت مورد تنظیم و احترام ملی همای مختلف که آزادی خو را مرحوم این رستاخیز ملی میبایدند تزار گرفته است بنابراین باید منتظر فرود آمدن کفرانس آزاد فرانسوی نقشش

را که این روز از نظر اشراف در اجتماع یشری بازی کرده است هرگز فراموش نکرد

موضوع فلسطین و کششک بود

و عرب در این منطقه حسان بر طرف اندی

یا که موضوع اتراف و تیره سیاسی هفد

است

است

است

است

است

است

است

است

علم آثاری جدید قاضی

# گنجینه گرانبهای ادبیات کرد

-۲-

از میان شام، استرالیایی که در راه اقصای آثار ادبی کرده و رنج فراوان کشیده‌اند اسکاتلندی (Oskar Mann) مستشرق آلمانی پیش از همه شهرت دارد. این خدمتگذار پررنگ فرهنگ ایرانی در ۱۹۰۰ از دیار خویش بزم خوه بیینی از غربن هاشم شرق حرکت کرده پس از مدتی توقف در کرمشاهان و کرمستان به مهاباد آمد و در آن شهر که امروز مرکز نهضت تفرقی و آزادی - نوحه حزب دموکرات گرد است به تحصیل زبان کردی همت گماشت . معلم او در آموختن زبان کردی بطوریکه خود در مقدمه کتابش می‌نویسد: منسوی نگارنده بود که در آن زمان هر چه در پیش تحصیل علم بودم همه اشتغال داشته و امروز نیز که در قید حیاطت اند از غشیه‌های برسته علمی و از حجاب‌های تاریخی و زیورات عالی گسری و مستشار دیوان عالی نیز می باشد.

بازی اسکاتلندی بسوی نگارنده، تحریک انگلیسی میگردید و در نزد او کردی می‌آموزت که در وصال گذشت و بغیری در پیشرفت این منظور کوشید که در طرف اول زبان کردی را با همه اختلافات صغیری فراگردید و هر چه خواست بپای می‌بایدان را کاملاً تفهید و در پیش و بنیام منبتش بکوشید که کوشید و در محاوره و گفتگوی معمولی روزانه کلمه یا جمله ای که برای وی مشکل و غیر قابل فهم باشد .

پس از آموختن زبان کردی لغت مهابادی اسکاتلندی در مدتی بر آمد که تدوین و جمع آوری آثار زبانی کردی همت گمارد و جمع ادبیات باستانی کردستان بنیاید و برای این منظور از معلم کردی خود چند نفر از نکته متناهم قوم خواست .

معاونین اسکاتلندی مهاباد هم سو که نگارنده در مقدمه این مقاله به شرح شماره قبل ، بنظر خواننده گان گرامسی رسامه تقسیم بندی آثار ادبی کردی را بنیاید باستانی و دواورین شریای جدید که تفریح نبوده ولسی این مستشرق دانای سخن شناس اصالت و زبانی و لغت کلام را در بنیاید باستانی یافته بود خواستار جمع آوری و تدوین آنها گردید و برای این هدف دانشنامه ای محوره شده را تاجران وارد کرد .

بنیاید باستانی کردی را هر کسی ندانست و در سینه هر نامر می‌باید شد چه جستجو کرده نادر بر سر مردمانی در راه سراغ بردارد . یکی در سن یک سالگی مثل متکلم که هفتاد و هفتاد از سنین صریح متکلم بود ولی هنوز فطرت و علم در کوهستان آسمان مای گاسکن زندگی میکرد و دیگر میرزا اسکاتلندی که میرزا اعلی ده بکر می‌بودت و دسترس و سخن چندان مشکل بود . البته نیز مردان بدستکاری بود .

میل ابلت کردی بود و دانش که بنیاید باستانی کردی را چون گلمسی در دست اینان ساخته بودند ولی هیچکدام در پیشرفت و ترقی زمین بکره ، میرزا اسکاتلندی نبود و حقایق میبایدند که در آنه تسلط بر معروضات خویش نداشته و با درازة آموختن لغت متفرق و روزیسه نبودت

اسکاتلندی با امداد میثقی کراف هر دو را مهاباد دعوت کرد . میرزا اسکندر که جوان تر از سن بکر بود و از مهاباد بیخ اقدو هسا بود دعوت و برادر برت و مهاباد آمد ولی وحسن بکر علت بیری و شکستگی و فایده برای اینکه در اشکلات آخر عمرش نیز بنیخواست برقیشتی هفتاد کوهستان های پرطراوت و مصلای گامی در دست بر دازد از قول دعوت مستشرق آلمانی سر باز زد . اسکاتلندی مجبور شد به ممدان .

در ک راه طراوس باید جور همدستان کند که خود با فغان میرزا اسکندر و معلم زبان کردی خویش ریح سفر را بر خویشین هموار سازد و شصتا بنیضر استاد ششاد .

دو سالی گذشته که بمرود دوازده کرد میباشند از پیش ازده آلمانی و سمرهان او را در دهانهای بیست مانه کوهستان گاسکن پیروست و چنان از سرچشمه کهر بار مطرفات گرانبهای خود مهربان کرد که خشکی روح و بنه پروزة سفر او را یادوی برد .

اسکاتلندی بیست و هفادست و کت رحمن بکر و میرزا اسکندر بسپاری از بنیاید کرد از قبیل «موزین» و «دوده» و «لاس و خوال» و «نور و مامل» و «اروسک و فرخوله» و «بسی و ذابل لرفوق» و «لشکری» و «خرم» و غیره را که حرکت داستانی را به منبع و حسامه ای رفوق و قراکیز و ملو است جمع آوری نمودن کرده و با یکدیگر سیاه گذاری و خلط از آنه میمان اواری زبانی مهاباد باز گشت .

این نکته را نیز باید تا گفته گاه داشت که در سن یک سالگی میرزا اسکندر با همه اسرار او ابرام مستشرق آلمانی به تنها دواوری عنوان مزد و پاداش از وی بداری نگردید بلکه در طی این مسافرت علمی که پیش از چهارده ماه و اسکاتلندی بطول اینها گذراندت سخن و بعضی از جیب خود خرج بنیاید .

اسکاتلندی با یک بصوخته غیبی که بنیایشناسی هنر کردی بکر جمع آوری و تدوین آن بنیاید بود نه مهاباد مراتب کردی رفتی نیز در آن شهر بیکلمه میرزا اسکندر و عسوی نگارنده بود و مراهجه با تاجان گردید آورده در اعدت تا اگر اشتیاقی در لغت اشعار مشکل داشته باشد بسز طرفت بنیاید .

در شال مهاباد رودخانه آن کرد زبانی است که بشکل مارچ از آن شهر میگذرد و در بسپاری از قضاوت بنیاید با مهاباد بسز جبهه خلف آسمانی او را در باغی بسز بکره بر گرای خود

می یوفاند . اسکاتلندی که مردی هاشم و با ذوق بود ، دوره آتسار کرد آورده را با فغان معلم خود میرزا اسکندر در زیر آن درختان باغها و فو ساحل آن رودخانه زبا انجام میداد .

عسوی کرام بر این من صریف کرد که روزی که بنادت با لوف در زسیر دخت بنیاید ساحل بر نشسته بودیم و اسکاتلندی داستان شور آن روز را و زبانی و لاس و خوال را او دره میگردید خود روید که خوال را با معلق شیدای خود «لاس» گله شافقه آمینة با هزاران ناز و هشو میگرد و «لاس» باغ مشونه بود شش خورشود با تفریح و التماس قهرمانان توپامپوزش واسترامن میداد .

زبانی و لطف کلمات و سادگی و بیانی و بی تکالی و طبیعت بیوسن و جدالت منظم ، بغیری در مستشرقان محروم از طبیعت مستشرقان گامی اشتیاق اجای بر خاست حسامه کی که بر اثر مکتوب زبان کابانی و غیره اغلاب بودی غیر منقول دیوانه شده باشد در ساحل رودخانه شاقی در قیامین گذراندت و گشت .

و شاکر دعا در قیامین منظومه گران بها را بنیاید ، خدا علم است که نه «کشکری» و «دداش» و نه «گوتنه» و «دیشیر» و «هوه گو» و «لامارین» و «پورکین» هیچ کدام به این لطف و زبانی شسیر نمانندند .

اسکاتلندی دوره خود را با بنیاید رسامه آماد که حرکت آلمان گردید و معلم کردی خود را بیاس کلمه های گران بهایی که در یاد داند زبان کردی تدوین آن مجوده غیبی بنوی کرده بود ، سخن دو آلمان برد . سخن خود بمران شام آن بنیاید باستانی را در زبان خود ترجمه کرده قیلا منتر کلامه را با یک مقدمه کوچکت ولی مرامه مختصر جامع صریف و خود زبان کردی بغض لایح و بسی ترجمه آلمانی آرا چاپ و منتشر نمود .

رساله و یاد دستور زبان آلمانی و مقدمه متن کردی ایشای زبان آلمانی نوشته شده و با متن کردی آن مسجوعه بنام «Der Mukri Mund» موسوم است در دست نگارنده می‌باشد .

عسوی نگارنده تحصیلات خود را در آلمان در رشته حقوق پایان گردید و پس از اعدت گواهی نامه دکتری حقوق در وزارت امور خارجه و در سفارت ایران در استرالیان سید بری استخدام گردید و سابقا در بران اوقات داشت تا در سال ۱۳۰۶ یا ۱۳۰۷ در موهوباد سازمان جدید عدلیه و ایجاد کرد او را نیز جمله انتقال داده شد طبرستان فراخواند و اینک بطوریکه گفته

قد مستشار دیوان عالی شیز است و آنکه در بران کتابخانه بسیار کمال و زبانی داشت چون اشعار منظم له بطور با کابانی انجام گرفت نادر صیقل آن به تهران نگردید و بعدها بیروسینه برکن هر ظ آن کتابخانه غیبی نیلالت و آنکس هاید بر آن جتک اخیر بنگلی از میان رفته باشد .

من در تهران نسخه از این کتاب حبس بنیاید و نسخه موجوده خود را نیز از جنابشای محمد رهبر و پیشوای حزب دموکرات کردستان بیاید گرداورد .

تفصیل آنکه نگارنده در اوان لودگی در دبستان صادات مهاباد تحصیل میگرد . در آن اوان چون هیئت در خدمت قاضی بودم کتابهای اوزاریا معالجه میگردم و در میان آنها کتب قدیه و جدیده کتاب اسکاتلندی پیش از آمدن به مهاباد در دست داشت . در همان زمان جوان هنر مندی بنام صدرا حسن گیو از بیروت مهاباد باز گشت و در جستجوی کلام مناسی بسپاری خویش بودم در نزد آن جوان چند نسخه زبان فرانسه و نیز آلمانی گردم و بدینجهت خواندن و استفاده کردن از کتاب اسکاتلندی که بران کلامی و خط لاتین نوشته شده بود و کار آسانی بود .

بندها که به تهران امدوم دریاچه لطف و صداقت صوفی کرام در بیروت دارالفنون تحصیل بنیاید بسپاری در کلاس سوم با چهارم متوسطه فارغدی ولی بسا قدم و در این متکلم را در جنب لاضی محمد که ملاقه بسیار به پیشرفت تحصیل نمود در دهان مهاباد جناب قاضی خواست جایزای بن بیعه و مسرا در تعیین جایزه بود و کیفیت آن بصیر گذارند .

من هنوز نلدت و لطف کتاب اسکاتلندی را قراوموش نگردیده بودم ، لذا بنویس تردید آن کتاب را سرگزیدم و ارمال آن را از بناب لاضی خواستار گردیدم و از آلمان تا کونون چون به قیسی به یادگار زمان تحصیلی خود نگارنده ام .

بسیار جای تأسف است که قسمی در این بنه مشاهده نمودن و آن است که او بناب صفحه ۲۸۸ بیشتر تعارف و بقیه کتاب اتانده است و معلوم نمرد نسبت که چقدر از آن نامش میباید .

تا بناب از وسط کتاب نیز در داستان «موزین» و «دداش» و «گوتنه» یعنی از صفحه ۳۳ تا پایان ۸۰ اتانده است . ولسی بسیار جای خوشتی است که در سایر داستان ها و بنیاید غیبی پیش آمده است .

از شقارته ای همه از داستان حساس و بیخه «لاس و خوال» در عین و عین متن کردی را با ترجمه فارسی او نظر خواننده گان گرام میگردانم و امیدوارم که این خدمت ناخیز صلیر و موهوبدل و بسته ارایه ذوق بنویس و هنر فرار گیرد و چاپیج بهیض و اشتیاقی را غوریده استعما دارم در نگر فرمایت که هر موهوب کمال تشکر و امتنان و حق همای اشتیاق و همس بافت کتب و لغت منشی این مجوسه گرانبها خواننده .

در آنه قول افتد و در نظریه ۳ رابع به مستشرق دیگری که فرمای آتسار منظوم و متور کردی زبانت کشیده اند بهما در مقدمه ترجمه آلمان «موزین» سخن خواهم گفتم و فلا مقدمه را بدین جا پایان می بنیضم .

### باز هم راجع به گروس

در تعجب مطالبی که در چند هفته اخیر راجع به گروس نگاشته شده یکی از خوانندگان اینطور می نویسد: «از منوجات نام گرمی یا بخار استنشاق مورد کس بهایات بیشتر معاف و بیجان کار اهالی گروس همی برداشته و قلمی بدست گرفته اند.»

این بنده که یکی از افراد اهالی هستم با عرض تشکر بنسبیت نزدیک بودن اهالی گروس به پازندهم برای استحضار سرور می دارم: «چسی از مالکن دیکتاتور برای اینکه اقتدار اولیسه را نسبت به رهاها و وزیرچین حفظ نموده و وضیت آقا منشی خود را از دست ندهد اینها را از ایسکان یک بنگاه خارجی را که مدعی ممدان است علم نموده و در اطراف آن علم بنده زنی ها شروع کرده و می خوانند تا مردم وکیل تحلیلی که آلت اجرای افرامه دیکتاتوری آنها باشد در رخ مردم بیچاره گروس بکشند در سروریکه جامه اهالی از وجود ایسن گروه و کلبان بزار و در اطراف این کدی مضطک شامانی نیز از کلبان این گروه و کلبان بزار از کلبه دیکران بهره گرفته و تطبیق اغشاش و بلبلان قدرت دادند و بنده می شود

فلا تا این بیهود است بدعا مکن است بر ایسن شخص اطلاعات بیشتری برسی برسد»

در وقت وچان این نامه باز دیگر بنا فرست میدهد که چندنگه با مساکین محترم گروس محبت کنید.

امروز در همه جای ایران، در ایالات و ولایات این فکر تقویت شده که باید و کبیل را سرمد انتحاب نمایند، و کبیلی انتحاب گردد که به فواید حاصل بصیر بوده و واقعا نایب مردم باشد. در ادوار گذشته گروس از دور و کبیل حقیقی که منتخب مردم باشد معرود بوده و موضوع چنان روشن و آشکار است که دیگر نیجه مطلع کردن ضروری نیست و رسمی کار همرازا اینگونه نایبگان بایزانه برای این است که اینها چون مساکین مردم نبوده اند خود را مقید باین ادانسته اند که برای مردم و برای نایب اهالی که نام و کالت آنرا نصب کرده اند کار کنند. آنها نایبند دستکامهای مخصوص بوده و قدرت مقاماتی است صندوق پر آمده اند آنها خریه ان ادانی بوده و سکتف بوده اند برای آنها کار کنند ولی چون صندوق منان به اسیه ای نبوده بودند چیه انتحاب و کلبان بزار و کلبه دیکران نام خود قبول کرده اند

### اهانت بیگی از مشایخ معروف کردستان

#### جناب آقای وزیر دادگستری

علیخان مامورین دزد گستره کشا در کردستان بدیده بسیار نالغیوی و سریده. بروییکه تن مشغول و اشخاص مورد اضاذ ناطه مردم از اذیامات بیرویه آنان در امان نیتند.

برای اینکه جنابای اعلی حاضر فرمایند کشتی را که باغشای پیش از یکده نفر از علمای محترمین و غنومصاروحا و یوان کردستان رسیده ذیلا درج میسایند (انتظار داریم مقرر فرمایند باین قسم عیایات و اهانتها خاتمه دهند و پیش ازاین در قانون قانون شکستی استودوا احصامات مردم را چریبه دار سازند.

اینک همین نامه وارده است. مقام منبع جنابا عارف نخست وزیر معقم ایران - کبیه وزارت جلیله دادگستری - کبیه فرماندار نظامی - کبیه انجین ولایتی کردستان - کبیه دادگستری کردستان - کبیه روزنامه کوهستان

مختر اعطای کشتی گروس به افرامه نایبند

جناب اجلا آقای شیخ احمد سیاهالهی بنی خلف مرحوم آقا شیخ محمد مسلم طالب نراه از مشایخ محترم و علمای متکلم و مجمل و توفیق قاطبه اهالی کردستان میباشند. شخصی است که دارای اصالت اخلاقی و از اصلاح میانش کبار منتجع میباشند خانه او تکیه یا جایگاه متبرکی است که بپایران و عاصیان را عفا و امان میدهد یا چنین وصفی در روز ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ مترشک از طرف نایبند دادسرا (آقای گانگنر) و وزیر دادگستری (آقای سجادی) و نایبند شهرنایب (آقای سر مهربان) در اول آقا توفیق زین آگاهی و معاشی و کسعه و اشخاص ناشناس و طر ب و بی سابه بوده و منحص و تفتیش واقع شده است علت این کجنگاری و اذیامات دادن از نایب مردم توفیق با اهل المصدومین بوده و اذیامه مترشک در دادگاه با اینکه تلباسیح تفساخی آنجا مبادرت و اطمینان داده اند که امانانی از مارت آن مرحوم در آن تریاشان نشد باز از اصرار و سماجت بوضع بسیار موثقی که هیچ چیز جریبه در کرفن احصامات مردم و مدمه ملامه و مدغمات و اذیامات منطقیه باقی نیتوان تصور کرد در تمام قشدهای مندرجی در متن حمل آمده است.

بنا بر این مرتضی باهمانها بکسی که مورد احترام میباشند و بنام قانون استعداده تقبیح میبین این جنابع و ارباب مقررات داشته تا آخرین مدی که نتایج نظم خود را به چشم لا ینهم شکایت را دنبال و برای کبیر متغلبین اصرا داریم.

### استوروزارت کشور!

#### راجع بانجمن ولایتی کردستان

بقراریه که از کردستان اطلاع میرسد از طرف وزارت کشور بفرماندهای بالاغ شد است که تا انتحاب نایبگان بلوکات انجمن ولایتی تشکیل جلسه ندهد

واقعا مضطک است از طرفی وزارت کشور برای اینکه شیره سر مردم بایلیه و اجاری قانونا بر عمل بکنند دستور انتحابات اجنبیهای باثانی و ولایتی را می دهد و از طرفی هم راجع بانجانب نایبندگان بلوکات خودش لبی داده چه باید بکنند آیا باید بلو کارک عمل کرده باشد یا بشر و از طرف دیگر هم دستور بی اساسی که از صلاحیت او خارج است می دهد که انجمن ولایتی را این مردم بموجب قانون انتحاب کرده اند تا تکلیف نایبندگان بلوکات تعیین نگردد تشکیل نشود

علت عدم پیشرفت کارهای این ولایتی گوربا این موضوع بوده و بقدمنا و انجمن ولایتی که دارای شخصیتی است قانونی نایبندگان دستورال قانونی وزارت کشور شد و در خلافی مردم را

اگر مساکین گروس به افرامه نایبند واقعی در این دوره، و میسلی داشته باشند بایسده کشته از تعداد دواظربان و کالت کاسته شده و برای انتحاب یک وکیل معنی صالح و شایسته توفیق نایبند و الا اگر کبلیه گدشت هداشته باشند یکجا دست جمعی بایسده بگذرانند زیرا خارجی میاید بی سر و بقیه در خویازه خوانند ماند آونت است که دیگر بگر گدشته انوس خوردن سوئی ندارد و مهربانواع گروس برای دوستدوسال باز بدست یک زارنده خود سر خواهد انداد که مسکن است مانند طول نشود چندین دوره بگردن مردم بیچید حال تفکر در این اظهارات و تعصیب در آنرا بیهوده خود شا و نامزد های و کسالت واگذار می نایم

### انجمن آزادبخوان کردستان

برواه و سسی تشکیل انجمن آزادی بخوان کردستان طبق تقاضای جمعی از کردستان مقیم مرکز از طرف اداره شهریاری گل کشور صادر گردید. تشکیل انجمن را بدین وسیله اطلاع نمود علاوه متندان میرسانه. (اماستان و آئین نامه مربوط فریبا چاپ و نظیر عدلان متندان به کردستان خواه رسیده انجمن آزادبخوان کردستان

### اداره کل نگهداری

#### توجه نماید

نظرات یک گروهان وارکانه، هتک در پشت از افراد کردستانی تشکیل یافته بعلت مساز کارهای بودی آنها لقلب بسیار دور وضع بسیار بدی بر سر میرند استوار میباشند که نتواند کردان هتک را از اختیار دادار دیار بابت تومانی دور و پال به افراد مساعده می دهد و این راه صدی بیست موقی این بیچاره ها به جیب شایهتک می رود.

اگر اداره کل نگهداری بکنفر باورس بفرستد و از چند نفر باجوبی قشده قسمتی از غارتگری ایسن شخص معلوم و جان بدوای افراد بیچاره ای می خواهد شد.

انتظار اقدام جمعی و رسیدگی اداره کل نگهداری را داریم

حالی این دوره ما عمو شایعه اینطور معلوم است که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدوئی که عدالت کرده اند بیرون دخیل و خیل و خیل و خیل و در رسم خود خسته و آنرا از دست انبرده اند تا مردم موقی خود را بشکستند و برود بفرمایند مردمی که بیفرومانه پیش از این موقوفات از دست برود بایه بکسر خود بوده و آنها هم بر علیه این بیکار مبارزه نمایند اگر مردم در این

مطلب که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدوئی که عدالت کرده اند بیرون دخیل و خیل و خیل و خیل و در رسم خود خسته و آنرا از دست انبرده اند تا مردم موقی خود را بشکستند و برود بفرمایند مردمی که بیفرومانه پیش از این موقوفات از دست برود بایه بکسر خود بوده و آنها هم بر علیه این بیکار مبارزه نمایند اگر مردم در این

مطلب که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدوئی که عدالت کرده اند بیرون دخیل و خیل و خیل و خیل و در رسم خود خسته و آنرا از دست انبرده اند تا مردم موقی خود را بشکستند و برود بفرمایند مردمی که بیفرومانه پیش از این موقوفات از دست برود بایه بکسر خود بوده و آنها هم بر علیه این بیکار مبارزه نمایند اگر مردم در این

مطلب که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدوئی که عدالت کرده اند بیرون دخیل و خیل و خیل و خیل و در رسم خود خسته و آنرا از دست انبرده اند تا مردم موقی خود را بشکستند و برود بفرمایند مردمی که بیفرومانه پیش از این موقوفات از دست برود بایه بکسر خود بوده و آنها هم بر علیه این بیکار مبارزه نمایند اگر مردم در این

مطلب که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدوئی که عدالت کرده اند بیرون دخیل و خیل و خیل و خیل و در رسم خود خسته و آنرا از دست انبرده اند تا مردم موقی خود را بشکستند و برود بفرمایند مردمی که بیفرومانه پیش از این موقوفات از دست برود بایه بکسر خود بوده و آنها هم بر علیه این بیکار مبارزه نمایند اگر مردم در این

مطلب که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدوئی که عدالت کرده اند بیرون دخیل و خیل و خیل و خیل و در رسم خود خسته و آنرا از دست انبرده اند تا مردم موقی خود را بشکستند و برود بفرمایند مردمی که بیفرومانه پیش از این موقوفات از دست برود بایه بکسر خود بوده و آنها هم بر علیه این بیکار مبارزه نمایند اگر مردم در این

مطلب که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدوئی که عدالت کرده اند بیرون دخیل و خیل و خیل و خیل و در رسم خود خسته و آنرا از دست انبرده اند تا مردم موقی خود را بشکستند و برود بفرمایند مردمی که بیفرومانه پیش از این موقوفات از دست برود بایه بکسر خود بوده و آنها هم بر علیه این بیکار مبارزه نمایند اگر مردم در این

مطلب که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدوئی که عدالت کرده اند بیرون دخیل و خیل و خیل و خیل و در رسم خود خسته و آنرا از دست انبرده اند تا مردم موقی خود را بشکستند و برود بفرمایند مردمی که بیفرومانه پیش از این موقوفات از دست برود بایه بکسر خود بوده و آنها هم بر علیه این بیکار مبارزه نمایند اگر مردم در این

### گردن و گردنستان سه اردلان

۲۴

پس از پیشی‌ها اگر خان غرق‌الله حکومت جوارود نامزد و مینمیشود شاهزاده باطنیاری میبازارد که مصدوم سلطان را برای حکومت لهنون تقاضا کنند که از راه باخود برده شو اورا اسر واکند. غرق‌الله بر حسب امر و دستور شاهزاده رفتار کرده مصدوم سلطانرا با خود حرکت میدهد مصدوم سیه سلطان از آنجا که مرید نیز هوش بود از این پیش آمد که بدون تقاضای او جبل آمدنظین میخود و آتیه خود را بین شک و یقین نشود تصور حرکتی بسین لحاظ درین راه هشیب گرانی پهرچیده که شاید بوسیله آن سرکات پیش نهادشرف‌الله را دست بخود استیضا نماید. گاهی یکفرسخ طولت و گاهی یکفرسخ عقب مانده تا بدانه که شرف‌الله جوانی از مریدو نه از شرف‌الله هم از آنجا که مرید بود آرزومه بود از سرکات او خود را بایضا بهیوجه خود زبان قدم و تاخر آنجا نیسان تا بالاخره قلم اورودیمیرسته و در آنجا نسبت لطف و مهربانی را در باره او میخواند میدارد همه ادرسن یکسر او که در غمگسار میبوده برای اینکه او را هم پیام باورود در خلوت بصدمه سلطان میگوید که توبیسه هیرالسن تکلیف ایضا باید او از زمین باشد یا شا یا کم بخت و ملت حکومت او را مان لهنون نطقود میبرد. حصه صدقه میدهد و امتیازات و آزماشهای بی دام آرموده خاطر صدقه مطلق را ساده تلقی میکند توبیسه پس و گشایش در ظرف دورود میبارورود می آید ناملاصد توفی هم برای دین شرف‌الله درمیت الهی است پس از آمدن آنجا شرف‌الله میبارورید آید خود را که مرد کار و معرم اسرار بوده باقرت میخواند و معرمان باویگوید که کسی از تو کفرها را درست حالی کنی چون صدقه صد سلطان و گشایش نودمان آید تو هم موند شده در سر زمین با هم تراجم کنند و هر دست بپان شکایت یاد مطلق شدن پس بدم تیبی از اطاق بیرون میروم تا آنجا صدقه میبخش و گشایش را دستگیر کرده بپدرش میسپورید یک راه از این خدمت با شرف‌اللهی که بر حسب دستور رفتار نوده تیبی را انجم میدهد سپس آنجا را بخونود تیبی بیکان بپان درمیدان جلف حارکت کومنی شیراز می نیانته شرف‌الله نور ارباب و شاهزاده اطلاع میدهد شاهزاده در راه از این خدمت با شرف‌اللهی که بر حسب سربستی و حمایت و نشان ایضام از دولت سرگشته برهه از روانه میشاید پس از وقت مصدوم سلطان اورا برکنار آرموده و آرام میشود هنگام ملاصحت توفی و ملاعزیز اورا که در مجلس بی از چندی از قضایا و تشنه کار مستعظم می شوند باچار بیرون آمده نرد شرف‌الله مبرود سبب

### اثر طبع «حریف»

### («گر»)»

کرد زبک و با غیره و ک شیر زبانه  
هر برس و ترمه به مثل کردی زمانه  
بوصحوی و شیر دانی دهن به حقیقت  
بی لاف و کراف راست و گوئی دانه  
ام کرده لب تو عامه مردم به شهادت  
مشهوره و کوروزه که مشهوری جهان  
وتنی که له بو عرسه عیبا بهموم دین  
هر یک به برابر عد و پنجاهی بیزاه  
امر و رفی وک طایفه کرد که جهاند  
لکن به نه حضرت انان له که جرکم  
بی پشت و پنا هوسر و سردار دیلان  
بم واسطه گردان بتوا و برز و بلاوه  
نی فکرم له تقدیری خدا چندی میبیه  
ام گسکه شیرازه که رویاهی شوانه  
چون آیی حق ان مع السر سرا می  
پاکت به بی تو گوی بدم به آچهوانه  
امیه به علسی له غه و با بفت و نکین کرد  
ایشتر بسلام صفت وام ذلست گیانه  
معلومه و حریف میسکنا تاسرفیه زندان  
بخصوص زدمه گردان که کو کوبیری زیانه

### مبارزه با مالاریا

### دو حاصل کوچک را رفع کنید

بقره‌ای که اطلاع شده مبارزه با مالاریا در کردستان آغاز گردیده و صدای آنکار از طرز ممتد اعراضی به آقای دکتر وکیل وادکار شده که از شفای دهن و نبات منسوبت را بر همه دارد. اما قسمت مالی تابع بهداری و تحت نظر ویشی بهداری است. دو این ملکند در عمل دیده شده که هم آهنگی بین اعضای ادارات روستا و معالین کشر دیده میشود و بی همی سبب می کنند کار دیگری و شراب نوده خلامه کار برایش آنها هویرانی و میدان تعلیه حساب میباشند آنکس این موضوع در بعضی موارد گفتاش کم سیاست (شرشری) را نسبت بدینهمه معمول داشته در ایران خود را بوی دولت روم بفرج داده اند و دروم خود راجیه ایران معرفی کرده اند - کتیر کوفی بگوید اشتر بوسولنی بارش گویند میبزم - در پاییز و زمستان کوموقع شتلاق میشی آنها است در کرسمریر هراق زندگی کرده اند و در بهار و تابستان که هنگام بلایق میشی آنها است بکوهستان کردستان آمده خضر خضره بر با کرده اند و در ظرف آن زمستانی بشنوخان حق السمرخ حکام کوبینگهان کرده اند داده ولی این حق السمرخ در حقیقت خویشای امرفی و نوایس رعایای کردستان و ووازلت باغ و دیلوه هانه یاقی بود که دیگر نوده و در مقابل آنها ادویجان و مان دانه و رعایای بیعت از خوف سرکات و عشیانه آنها هوسر آوارود و متوازی و فرین قلت و خوارن بودند و بهر اینجهت باسی میگردند کسی بهاد آنها نبره میباشی توانست برسد.

باشد در آن قسمت که باجان مردم شای دارد دیگر قابل اغماض نمیتواند باشد  
هست مبارزه با مالاریا با این تنفیک له از پول منسوبت را تقسیم وطوق نموده که هر یک از خود سلب منسوبت کند بصبرا میتوانه بگردن دیگری بیانه ازاد در حوریتکه اگر ه دوست بشی مثل و پول تحت نظارت و تقسیم بک فری یا بی مقام می بود اورا سکن بود مشول شناخت و تواجدهم رعایا معصیح کار را از اویازخواست نود یا اطلاعاتی که از داخله بهداری میرسد زیادت و برنده و جیرمان و هیبه منبر از کار تقصیر داده شده و بیشتر بزرگه ملامت بنا براین برای ایضا افلاک این کار مستقل مبارزه با مالاریا دچار این اقتضاج با زها بود بیشتر این است که ویشی بهداری را بنگارند مشول کارهای خود بوده و مسئولیت تام را بعهده بزرگه ملامت مبارزه بگذارند موضوع دیگر بزرگکاری است که برای کلیه سرسین مبارزه با مالاریا داده شده گویا بدون سابقه درختانی از لحاظ جدیت و با سهل ندانته باشد برای دفع این قبیحه همی عواست هشت مبارزه تجمید نظر کرده است و بزرگکاریهای جری کردستان و اورادو انجام این سرسین که فعلا کار میشی انجام میدعه بگذارند و به بزرگکاری کنولی که بزود این کار نمی خورد شلد بزرگری رجوع نمایند.  
امیدواریم این دستگارت مورد توجه و مساعدت طوری نشود که بوی شرح گردد و نتیجه خوبی هم عاید مردم نشود.

### تاریخ ریشه و نژاد کرد

- - -

سپید ادره گدار - هر کل ادره  
 هفتیگاه ایران مقاله‌ای در دست خوان  
 و حریرات علمی در ایران و در سائنه  
 پارس در سال ۱۳۱۰ نگاشته توضیح  
 میدهد ؛  
 « اشباکی که گذرستان از زیربناک  
 در آوردت گوسهایبالی ساخته اند که  
 در جبال خور در ازته نامعلومی سنگی  
 داشته رسیده در نتیجه هجوم قبایل فاتح  
 و مهاجسی که از شمال آمده از آنجا  
 قبلی وطن نوده و در چهار هزار سال  
 قبل به لرستان رفته و در تاریخ نام  
 و کاسیت ها که شناخته شده اند . این قوم  
 بایل را فاتح نمود و نزدیک قرن از  
 سنه ۱۶۶۱ تا ۱۱۵۵ پیش از مسیح و  
 بر آن دیار فرمانروایی کرده و چند  
 پگوسهران خوشان باز آمده اند و یا  
 تربیت اشام و تجارت اسب که سواره  
 نظام آخوری می بودند ترویج نمودند  
 و این اشیا را معرفی نویس . این آلات  
 جنگ و دهنه های اسب و جواهرات و  
 ظروف سفالی و غیره شاهده بین ذوق  
 سستی و صوابیت می آید و پادگار  
 ثروت مادی آنها میباشد .  
 مشاربه با این سفلانه نظریه  
 و جزو توله و موقوف آلمانی را دایر بر این  
 که مسکن اصلی این مهاجرین کردهای  
 منطقه خور سبز بوده است نامیدی کرده ای  
 نام خدای طایفگی این قوم کاشور بوده  
 است که در بهترین خدای این طایفه پاره  
 باهه و معلق به سکه لرستان پیش از  
 آمدن کرد های غیر خور به این منطقه  
 می باشد . این موضوع هم دلیل دیگر  
 وحدت نژادی کوس های راگورس و  
 کوس های خور بزرگز میباشد .  
 نام یکی از خدایان قدیم کوس ها  
 هم هوزاد بود . کتا سید ساسانیان  
 خوزدا - خوزدی میگفته اند مثلا کسب  
 و خوزدی ناکه و که بریان هپلوی بود  
 به فارسی سفانده ترجمه شده است از  
 هوزاد - خوزدا آمده است . نظر  
 باینکه کردهای اسروزنی صاحب ر  
 خوزدانی گویند معلوم میشود خوزدیانی  
 در ب استعمال شده است .

مقتدرترین پادشاهان کوسی در  
 بایل د آگور کاکرم به بود که بلایوز  
 که سابقا قومیست از دولت بایل مرتفع  
 کرده بودند گرت ( گوردویستکی )  
 نژادی او پادشاه کوسی بیگ از اسپانی  
 اسوز سوم خوزدانی مکتوت خود را  
 کارودیش گذاشت  
 ۱۵۰۰ قبل از میلاد هم نماندند  
 کوسی . کارالانیش بود . نام هاردا  
 هاردا « کارودش » هم خوانده اند . معلوم  
 میشود . کارودش ، کارالانیش ،  
 کارودیش از الفاظ کوسی های آریایی  
 بوده است .  
 ( از خصوص کارودیش کتاب تاریخ  
 کرد و گوردستان توضیحات گسترده  
 کرده خواننده گان ممکن است به آن  
 مراجعه نمایند )  
 « کرد عشایر و احمد رفیق نیکو در  
 « تاریخ عمومی » خود نویس ( کوسی ) ما  
 و ایجاد کردهای امروزه معرفی نموده  
 است .

### اطهار امتنان از بنگاه حمایت مادران

پسکی از مؤسسات امام زین العابدین مرکز کرسی و کوشش  
 یکری از بزرگان و دستکاران علمی اداره میشود بنگاه حمایت مادران  
 است .  
 آنجا که از نزدیک با این بنگاه تماس داشته  
 نمیتوانست که در خدمت گرانمایه و صیانه همه حاملان آن  
 دکتر مؤنسی و نظم و ترتیب این بنگاه و مراقبتهای دلنوازان  
 کارکنان آن باشد .  
 اداره روزنامه کوهستان در چند مورد که سرانجامی میروپ  
 به کردستانیان مقیم مرکز باین بنگاه داشته بخوشی و نکات بالا  
 منوره و لازمیدانه بدین وسیله از خدمات گرانمایه این مؤسسه  
 اظهار قدردانی نمودم ضمن اظهار تشکر از مراقبتهای مخصوص  
 آقای دکتر مؤنسی و خدمت و لایان این مؤسسه و کارکنان بنگاه  
 آن از هلاک شدن و فرجی است که نسبت باین بنگاه کادر  
 هر مورد با کمال علاقه و صمیمیت بدهم مردم می شاید از آنکه کاهی  
 مالی درج نشانیه  
 هر قدر باین مؤسسه بیشتر کمک خود خدمات بیشتری انجام  
 خواهد داد .

### اداره کل نگهداری

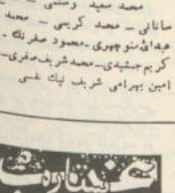
### توجه نکند

جناب آقای نخست وزیر در نوشت  
 ریاست منظم نگهبانی کل کشور  
 و نوشت روزنامه کوهستان  
 محترماً عرض میدارم در خصوص  
 غلای مسلوله ۱۲۹۶ ذاجه مندرج  
 گرجیان است که نگهبانی گرجیان را  
 باطل نموده است و هفت گرجیانی که  
 مدت هشت سال در درجه گرجیان پیش  
 بانی با سوابق یک مدت خدمت ۱۳ سال  
 از منزه های صدمه میشه دهرمان - باوسی  
 قطعنامه از گرجان و گردان و تقاضای  
 ترفیغ به هتک تقدیم شده روی اصل عدم  
 بضات و تائین نشدن نظر کارگزینی  
 و منصفیای امور شرفنامه در جزوه  
 فرانسوی ضبط و باسم « بنشاند مرکز  
 اقدام ساخته » بفریده باند وقتی که  
 مدت مراتب خدمت نظریه بعد بدست چند  
 بن استوار آغاز شده بود همچوت  
 برون بپاه ترفیغ ( وجهه ) غیر مقصود  
 ببقون خود کس تایل نخواهد شد .  
 بیا سرنام معروفه قون ناشینی  
 اولیای امور ترفیغ مزاور است که  
 مقررات پشت پشت بدست و تاوان روی  
 اصل نشدن ان وقت بدست چند عضو  
 کوچک نیز دو تار خود  
 دو خانه خون بین بدارم که نظر  
 بپه مجوزی فرار کلمات بیست هشت  
 ملودین ریال مادر نموده در حال اینکه  
 اقتصادی در مدت استعاضت - ساسلیک  
 موروثی خود را خرج گذران خویش  
 کرده و سیردن چنین کلمی برای وی  
 معال و متعاضت و در واقع آقای بزرگ  
 استعاضا ایشرا در قضیه بصلال کرده  
 استرحا باید پیروند انهایی باشا را بر کز  
 بقوامید و مطابق موازین قانون و عدالت  
 رسیدگی فرمایند که پیش از این بک  
 مدت حالتهای او در تهران پیش پناه و  
 سرگردان باشد  
 دوخیزه شریفه اعضای

### برای توجه اداره

### کل گهرک

مخبران شرف فوام السلطنه نخست  
 وزیر محسوب ایشان و نوشت کل گهرک  
 و نوشت وزارت دارایی ، و نوشت  
 روزنامه کوهستان .  
 مدور به برای اینجاس داخله بدهات  
 و تماس اطراف هر خلاف یک قواین  
 در گهرک مندرج هر مورد و اجازه  
 مطابق دعوا و نظریه خصوصی آقای  
 برومتهان رئیس کرسی است . با اطلاع  
 ادارات راه اری و اجین ایالتی حقیقه  
 باعث معلنی و بدبختی دیوان سرام  
 در صورتیکه آقای آقایان که از اهال  
 محصور ابر هسته هر دو اجازه حمل  
 میدهند تنها دارد بوسیله مفتحن به هتای  
 سادوره مراجعه تا معلوم شود مادی  
 آنها بشام آقایان حال مخصوص است  
 بهرحال چون با از بداد اجناس داخله  
 اجازت صدور چسای و نشانی از طرف  
 بینه وزیران و کناره های خارج بیکر  
 بقدرت و به جلوگیری از حمل بدخلفه  
 مندرج معریف خودست نموده ندراره  
 و بنا داریم پراش اینجاسان رسیدگی  
 درکام خلاف کاری رئیس گهرک ارجو  
 فرمایند .  
 محمد محمد وستی - صالح کانی  
 سانی - محمد کرسی - محمد رحیم  
 هاشم آقاچوری - محمود عرف - محمد  
 کریم جمیلی - محمد شرف علی - محمد  
 امین رحیمی - محمد شرف لیک غسی



### بزرگداشتی در منزل

نامه بزرگان ما شنه بزرگه دانی  
 در منزل شام است و آریو جان پکساله  
 آن فقط در بیان است  
 دفتر نشریاتی آرمادشکام - فنا -  
 خیابان اسلامبول آقای دکتر محمد تاش  
 ۴۳۰ - ۳ - ۲

### بقیه مقاله بحث علمی در اطراف زبان و ادبیات کردی

نورات و دار مستتر نیز بر این عقیده اند که زبان ماد ریشه و اصل زبان هر گونه فعلی است که در اثر تسولات ناطقه از مرور زمان به صورت امروزی در آمده است.

اینکه بطور اخصار دلائلی در باره اینکه زبان کردی يك لهجه فرعی است یا مشتق از زبان های بنده خود مانده فارسی پیکشاهه اصلی زبان ایرانی و مستقبا از زبان باستانی ماد توله شده زیرا در میگردد.

۱ - تفاوت صرف لغات و اختلاف ضایر و طرز ترسب جملات و اختلاف اغلب بیوند و پیوندها ها و سوسلیک (دیری فیکس) .

۲ - دست زبان کردی که از صحت کثرت لغات از زبان فارسی غنی تر و علاوه زیادی از های مترادف از زبان کردی به نحوی که اغلب برای یک چیز و یا مفهوم دو چندین واژه موجود است که نه خود و نه ریشه آنها دو فارسی و چه نه ساد و این موضوع دلیل خوبی برای استزاد شدن کردی از فارسی است زیرا در صورتی که زبان کردی يك لهجه فرعی و مشتق

از زبان فارسی بود میبایست ریشه و یا مشتقات و واژه های مزبور ولو با تغییر صورت به باغ در فارسی موجود باشد و یا بایچه به فراد زیاد بر اصل قائل شویم .

۳ - در زبان کردی واژه های نسبتا زیادی از جای زبان مشترک قدیم ایرانی همت که حینا و یا بسا تغییر مختصری در زیبایی اروپائی موجود است در سالیکه بیشتر این واژه ها در فارسی امروزه وجود ندارد و این خود دلیل واضحی است که اگر میبایست زبان کردی با زبان اصلی آریائی بیشتر مربوط یا مشتق مانده و چنانچه فرضیه اینکه زبان کردی يك لهجه فرعی از فارسی است صحیح بود میبایست این موضوع به صعب باشد .

۴ - از مطایحه واژه های کردی و فارسی که از يك ریشه ساخته شده اند بخوبی واضح میگردد که تسولات دو واژه های کردی بیشتر انجام گرفته و مختصر ترسولت تر از واژه های مشابه فارسی شده اند این برای گونه در این مورد بندها ذکر میشود :

کردی	فارسی	کردی	فارسی
گفتن	گوین	گفتن	گوین
خون	خواب	گرفتن	گرفتن
برادر	برادر	آهستن	آهستن

این واژه در کلمات مشترک الاصل کردی و فارسی تفریقا صومی است و اشتباه گش دارد .

مطابق قواعد علم اشتقاق برای تشخیص تفریق این حلف جنسی معروف و تمیز حرف شن جنس عربی که در مانده - p و - y در حرف تسولات و مرور زمان زیاد لازم دارد که خود دلیل واضحی بر دست زدن از زبان کردی میباشد .

۵ - چون لغات زیاد اوستائی (که طبق عقیده بیشتر متوسلین زبان ماد نوشته شده) در زبان کردی و اغلب بدون تغییر و در همان ترکیب با خود گزینش اینگونه واژه ها در فارسی از جهت جنس حرفی و کسبی دارای اختلاف میباشد دلیل کافی است اثبات اینکه استزاد زبان کردی همان زبان اوستائی یا مطابق عقیده متعصبین از زبان ماد می باشد و زبان فارسی نگارنده این مقاله به بعضی از

### قسمت او قاف سنندج دفت نمیناید

### تلگر افتخانه گرستان

مقام وزارت پست و تلگراف و تلفن رو نوشت کارگزیان رو نوشت اطلاعات رو نوشت گوشه گزینی رو نوشت پست سنندج از بو رود آفای تصدی نامم سعادت کردستان بخرای تلگرافی را بدست سرحد و بشود خوبی انجام میشود با مشاهده کشته گان زیر پسر بویسه پیمان وزارت پست و تلگراف و تلفن از اصحاب چنین شخص جنی و صحیح النسل سیاه گداری خود را اعلام میدارند از طرف اهالی و تجار کردستان سالی امدد شس آغا جانی فیاض نفسی و حیم زاده عزت نشینی سالی مایونی ابراهیمی سلیمان سعادت الیاس کرباسی اخوان خلیل ابریشی دلان زاده عزیز الهی دسیاهی صیسی مظاهری کرههی کالایی موسوی لاریان باباسکیان اسدیل منطقی .

خبر دیگر حاکی است که علی آغا خورسندی که مدتی بازداشت بوده چندین هفته شکایت تلگرافی برای هاینبره فرستاده و تلگر افتخا از قبول این استکفاف نامه خود را ناپارسا زواله تلگرافی است و او بویسه اجمین ولایتی مستحق به تلگراف خانه فرستاده است .

موقی که اظهارات آنگان در مورد و سرعت عمل برای ما قاضی است که نظایر این اتفاقات رخ ندهد .

آفای سید ملا علی حجت الساداتی شکایت می کند که با وجود اینکه چهار دانگ مینان میباید که موقوفه است در اجازه مشاوره ایلیه خود از طرف فرهنگ پک نظر بر این تصدی آغا مین فرهنگ موجب مدوکی که رو نوشت اثر ام برای ما فرستاده اند نامور و نابیره صلح آسایش و صل دردمان که از مشاوره نبوده است .

اگر چه ما از جریان امر استنصار کافی نداریم و نمیتوانیم صرف شکایت آفای حجت الساداتی آنرا دلیل قاطع بدانیم ولی مسلم است که اوضاع املاک موقوفه پست خراب و از راه دست فرهنگ گسرده است و از این املاک ک وقت کافی نباید ولرا این نکته را باید در نظر داشت که این وقت را که ما پیشنهاد میکنیم برای این است که در آمد این املاک زیاد بشود تا اینکه حجب مستاجر در آمده بود حجب نامور برود .

با در نظر گرفتن این مقدمه انتظار داریم پست به شکایت آفای حجت الساداتی از طرف اداره فرهنگ قداوت و عمل عادلانه و وفا فری بشود .

از سنندج توضیح در باره يك شکایت وارده

در شماره ۶۶ شکایتی از احمد آیت پناه زارع چابشده بود اینک الاغی بشرح ذیل رسیده که مینا خرچ میشود توجه داد گزینی را بپردازد آن جاسمی نامیم .

واحد آیت پناه جوانی است پس بیست سال که از خود دارائی ندارد پدرش مالک است و با بودن پدر پس حق تصرف در اموال او را ندارد .

یکمتر از رهائی پناه احمد آیت پناه بیست اختلاف هالی که پیدا شده مورد بی شهری مالک واقع شده بهر اصدار امری و دیندار و کتوف دست او بوده از او گرفته و پیروشن کرده آفای مطیبر الیک نپه دانه دیگر از زبان او دیده آواره و اجونی دیگر که زمین باو واد است که کلاحت کرده و از آژادوکی و تنگ مرستی نجات باید . احمد و پدرش یکی از اینک رهت و بیشتر اذیت کنند که اشتباه از ملک خارج شود بنام تصرف عدوانی آفای مطیبر و روی دستم شکایت نبوده اند .

چون تلگراف شماره ۶۶ در این مورد موجه سرو تقاضی شده بود مین توضیح بالا چاپ گردید .

### بالاخره علی آقا جو امردی

خلاص شد

پس از اینکه چندین بار آفای علی خورسندی از زندان تلگر کردستان تلگرافهای شکایت از عدم رسیدگی به پلانگیلی خود تلگر افتخا مستحق فرستاده و تلگر افتخا از قبول این استکفاف نامه خود را ناپارسا زواله تلگرافی است و او بویسه اجمین ولایتی مستحق به تلگراف خانه فرستاده است .

موقی که اظهارات آنگان در مورد و سرعت عمل برای ما قاضی است که نظایر این اتفاقات رخ ندهد .

### توضیح در باره يك شکایت وارده

در شماره ۶۶ شکایتی از احمد آیت پناه زارع چابشده بود اینک الاغی بشرح ذیل رسیده که مینا خرچ میشود توجه داد گزینی را بپردازد آن جاسمی نامیم .

واحد آیت پناه جوانی است پس بیست سال که از خود دارائی ندارد پدرش مالک است و با بودن پدر پس حق تصرف در اموال او را ندارد .

یکمتر از رهائی پناه احمد آیت پناه بیست اختلاف هالی که پیدا شده مورد بی شهری مالک واقع شده بهر اصدار امری و دیندار و کتوف دست او بوده از او گرفته و پیروشن کرده آفای مطیبر الیک نپه دانه دیگر از زبان او دیده آواره و اجونی دیگر که زمین باو واد است که کلاحت کرده و از آژادوکی و تنگ مرستی نجات باید . احمد و پدرش یکی از اینک رهت و بیشتر اذیت کنند که اشتباه از ملک خارج شود بنام تصرف عدوانی آفای مطیبر و روی دستم شکایت نبوده اند .

چون تلگراف شماره ۶۶ در این مورد موجه سرو تقاضی شده بود مین توضیح بالا چاپ گردید .

### دخانیات سنندج توجه فاعاید

معدن اسمعیل ساکن امروهل خرچ بسوطی راجع به سوء رفتار آقا جان معنی الدین و ناصر ذری کفتر حیسراف جوانیت مامورین آن اداره نگاشتند و بعد از آن بکسته است او را بدون حضور خودش و بسا مقام ملاحظه دار و ضنوان باذری باز کرده و مقدراتی مالوا را باز کرده و از جمله شش دانه لیره او را برده اند .

انتظار داریم اداره دخانیات سنندج به این شکایت توجه نموده شود بر اینکه مامورین فاسد را از سر مردم کوتاه نماید

### قال توجه ریاست اداره کل شهر بانی

آفای علی بهراسی از سفر شرح لمسالی نوشته دایر بر اینکه ممت نامه در شهر بانی آغا کل کرده و بعد از باور جواب داده که عملی برای استفاده و پرداخت حقوق ایشان موجود نیست و چون این ممت نامه با ممتادار ریش شهر بانی مشغول خدمت بوده هر چه داشته خورده است و از هستی سناطه شده نشاندار و بدل توجه در باره او مینو داران

### ژاندارمری سنندج

مستقر توجه نمایندگان

آفای علی محمد اردلان تلگرافا (از بون سنندج) که مطایحه بر پیکه مستحق ایشان که در ملک امیر آباد است مشغول شراکت و بریدن برمه الیکانه میباشد و تقاضای توجه فوری موده است .

### چاپخانه مظاهری

# کوهستان

## مختصری در باره تلگراف آقای آصف

پایه از سنه ۱  
باشد باید دست را روی دست گذاشته  
رو بقیه بنشیند با کمال سستی بانتظار  
مرگ باشد.

### آماقیدمها .

عقیده ما اینست که فلایابه اظهارات  
آقای آصف را شنیده ولی فوراً نتوانستیم  
مأیوسانه ننمود بلکه با توجه باوضاع  
حاضر و اینکه مردم را نمیتوان بصرف  
خشک و شالی دادوش نمود منتظر  
سه هفته آتی بودیم که آقا این اظهارات  
مخالص توأم بودیم بود بالا مرتله صرف  
یاصل نفاذ شده . اگر تنها مردم  
بود البته ما هم اظهار دوست خود نمیشدیم  
و با همه عقیده خواهیم شد ولی اگر تکراری  
در دستگاه سرانایاماد ادارات کردستان  
مشاهده شد ناچار باید گفت کردستان  
مشاهده خوبی وارده شده و میتوان امید  
وار بود که گاهه تک اندک کارهای اصلاحی  
شروع خواهد شد .

ولی ایام آتی آنها و با وجود اظهار  
دوست ما که جوش بی جهت زدن نتیجه  
این نازدند نتوانیم از چند راه اصلاحی  
خود آوری کنیم زیرا اولی اینکه تکرار  
بسیار بود کسی قوسیم مورد نظر اکثر  
نگیرد معذرت خود داری از اظهار نظر  
را گناه بردگرمی می دانی

پس از آوردن هر چیز نفع ندهی  
آقای آصف باید باین آوردن هزینه  
زندگی را بکنی از همدنی خود قرار داده  
بودند زندگی طاقت فرسای کردستان و  
گرمای اجناس زهر مرگ و مفرغ کشی  
از مسائل است که مورد توجه عموم  
کردستان است بوده و اگر آقای آصف  
موفق بنترالی در هزینه زندگی بشود  
تعملاً خدمت خلبانی نموده اند .

گرمای جنس در کردستان از چند  
چیز ناشی می شود

۱ - نداشت دستگاه شهربانی -  
دستگاه شهربانی دولتی واقعاً ضروری است  
بوده و بول صرف می شود حقوق ها  
مندیات می گردد کاری هم نفع مردم  
انجام می دهد

تعمین نتر اجناس نیز بفراتر زاید  
بر می یفت کسی گوش بصر  
شهربانی در باره رعایت نرخ اجناس  
بسیار نفع دهنده است و گران فروشان  
بانگهان دوجویی که روزانه بازارها  
و بعضی ماوردین بی وجدان شهربانی  
ند آقا نفع جیب خود دریغ میدارند  
اسطیان دران که تنبیه و مجازاتی در  
کلیت نیست و همان پولهای که هر روز  
صحب کرده اند نامور شهربانی میدهند  
خود بترین بوجاز گرفتاروشی و اجناس

اگر هزینه روزمره کردستان را  
تهران بنشینیم خواهیم دید که حتی نبود  
و خوارباز و غیره که کردستان تنبیه  
کننده آست بر سوابب گرفتارتر از تهران

می باشد دو سایه دستند و کار خیلی  
ازدراست است مثلا برای غسل آوردن  
بزرگانی اگر در کردستان پانصد تومان  
خرج شود دوبرابر تماماً کمتر از اجزای  
نوسان نفعخواه بود دوسو تکیه خیاب  
مثلا اگر در تهران هر شاهی باشد در  
کردستان پانصد نفر است

چرا برای اینکه شهربانی فاسد  
است و تکر آسایش فرستد بیوزرا  
میگیرد و چلو فرمده و راه می نیاید  
این مثل خود موهوعان تقریباً کلیه  
اجناس آسایش را بر مصادد دارد و اگر  
دستگاه شهربانی اصلاح شود تنزل ناشی  
در نرخ خوارباز حاصل خواهد شد و  
پالچو گیری از احتکاز جنس تجارتیان  
در بخش املاک خوارباز مانند شوهر  
هم تنزلی می بود آورد

دستگاه شهربانی تنها برای کنار  
سودن شهربانی اصلاح نمی شود بلکه  
باید اولاً ضمنی سایرین را که استعاده  
چسپ باشد و تکرش کار و آرزوش  
تعمین آسایش مردم باشد بر آسایش مردم  
گماشت چنین شخصی را نمیتوان از  
سربران و اروپا استفاده نمود و سوا از  
تهران ازم مردم داشت دهمین غیر ثراب  
سنجیح هستند جوانان قتل و فوج اعاده  
می شوند که آرزو زنده ن پورانه غرضی  
انجام دهند تا از قبل آن آسایشی برای  
می و ملائمتی های خود فراهم سازند ما در  
ایشودن اسمی از اشخاص نمی بریم که  
تصور شود برای کسی میگویم کاری  
توبه کنی ولی اگر آقای آصف در انتخاب  
شخصی باین سمت دچار سرگردانی شده  
می توانیم امیدوار باشیم امری نامیم  
که خود امور و اطینان و اعتماد مردم هم  
دستند

اسامی چند نفر اشخاصی بحال خواب  
از ایام نامزددهای شهربانی در  
گرفته و کار میشه ایم ولی اینها  
آقای آصف این شخصان را که با  
زندگی مردم سرو کار دارند دست های  
می گماختند

۳ - شهربانی که مقدر می باید دست  
غماض کلیت و استفاده جیب را از دستگاه  
شهربانی کوتاه کرد - اسامی آنها  
برای ما روشن است و امیدواریم با همی  
نشود که شما نام آنها را ندرک بدهیم  
بلکه تنزلی اینکه از اینها دور و اسامی  
آنها را در کنیم آسایش آصف دست  
آنها را گرفته بگویند تا بحال هر چه  
نموده ایم بی اثر است بگذارید بنروز  
هم مردم از دست شما راحت شوند در  
ایشودن هم هر که نگاه ملاحظه و صرف  
نظر برین بود باید کرد گذشت

کسیونهای تبیین نرخ مرکز از  
اشخاص بصری باید دور شوند تا نرخهای  
که همین می شود از دست متناهی  
در دست تنبیهی خود و با افزایش سی از  
اولد نرخ بوسیده با سارسان جسدی  
صاحب الملک که باید آنرا تازه استفاده

آب و نان بکسکه داخله - ۲۰۰ ریال  
تکمروشی داخله ۴ ریال

جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی کلس ۶۶۷

## برنامه رادیوی های جهان بزبان کردی

۱ - بیروت موج کوتاه	۳۴ / ۳۷	ساعت ۵ نیم به از ظهر
۲ - مشرق الارض	۵ / ۴۳	۱۱ و ۵ دقیقه صبح
۳ - سحر موج بلند	۱۴۱۰	۵ نیم به از ظهر
۴ - ایروان	۱۴۱۲	۵ نیم به از ظهر
۵ - بادکوبه	۱۴۱۰	۷ نیم به از ظهر
۶ - پاریس موج کوتاه	۲۱ / ۲۵	۵ و ۱۰ ربع به از ظهر
۷ - لندن	۲۴ / ۱۹	۵ نیم به از ظهر
۸ - بغداد	۲۷ / ۳	۵ نیم به از ظهر
۹ - تبریز	۲۴ / ۴۹	۶ و ۱ ربع به از ظهر

## شکایت نماینده جراند

### سقز

اگر چه شکایت زوردهای که ذیلا  
از نثار خوانندگان میگردد امریم موزلی  
با رسیده که سرهنگ معناری فرماده  
پادگان سقز دوستانج است و گویا از  
کام ساشش که آثار خود است و اسایان  
دراز جا خواهد نام نفل شده و با  
بهران اشاره خواهد گشت ولی برای  
اینکه مدرک دیگری از جبارات این  
مرد و سوه استادیان از مفاداری بود چه  
اقصری او بنظر خوانندگان رسیده باشد  
ذیلا چاب و به آقای سرهنگ معناری  
و هدمه میسهم که برای هدایت خلاف  
اصول و نادین بکنرها و دست نیهای  
ایشان مدار کسی جمع آوری شده بیس  
از اینکه تکمیل شد به غیبت حضرت  
معلمه خواهیم پرداخت

## اینگن شکایت وارده

از آقای کور کور ، مفتی  
گرمی و انتقاد از اسامی اشخاص  
که برای حفظ مآل نفسی مسلمانان  
را فدای هوی و هوا نمود و ارتعاب  
خود نمیشدند مسوازه بکشتند  
خودت کور منتی میباشند این جانب نیز  
در نتیجه استنادیکه با کمال بی طرفی از  
آقای اسمعیل نوده بودم با کس اسامی  
شده ای از طرف ایشان بوجه شده و  
نیتوانم ادعا کنم که مقدرم متعوض  
نترال کرده ام است  
جناب سرهنگ معناری بفرماده  
نظاری در کسبوتی که آقای اسمعیل  
نیر اشتغال زیادت آرا داشته و ایشان  
کسیون نابردم به ما همی و در مقام  
ایشان تشکیل شده بوده فرموده اند  
و چون کلاهی غیر رنگار خرابه است  
باید بیان فرمادند که رنگار رسیده اند  
باید بصراف این ادلی بی منقار  
بنده را از این حسرتی که میبگویم  
منقاری با ست نابردم و غیر تکراریم  
ندارد معزوم بایند .

## جای آسایشان اصلاح طلب

جای آسایشان غالی است  
که هزارها از این قبیل ذلیلان و آفتابان  
بار که برای معو اشخاص اربابان  
روسای مقامات می شود بنشوند و دست  
های ملیهی برای مقلات خود بکشد  
باید با نهایت بی بوری از جرایم است  
بنده انتقار فرمایند که آنها را دارم است  
میکنم مردم باین مورد آسایشان  
دفاع از بکتر نابینده است دوروزنامه  
های خود مسول دارم  
غیر تکرار و نامشهر جرایم و مطبوعات کلاهی

کرد نظارت در عمل بعمل آید  
۲ - حرس و مطع مرتبه گان -  
فرشته گان مخصوصا آسایشان  
را از خارج کردستان وارد کرده می  
فرشته حرس و حو عیبی در استعاده  
دارند بکم قانع نیستند میخوانند مانند  
راهزنان بکمرت خریدار را لغت کنند  
تجارت کردستان دوست اکثریت افتد  
و مطامی است صعه کوچیکترین چیز  
بشرت نازند و غیر از پول بیبیب چیز  
ایمان و عقیده نازند انجانا را که  
مثلا نتران باشی کش میسدان سی غیره  
حاضر نتران باشی از بر ابرایت  
پورشته دروقای این مطع بی خود حوسر  
این اشخاص اشخاص هم مانی نیست  
که از این همه تصوری چلو گرفتارند  
تجارتان تصوری بدست خصمی شده  
که باهم تباخی کرده نخرهای اولوالدی  
کران و تفراتر سا برانجا میگرددند  
و مردم بیچاره هم در میان بفریضند  
هستند باید هر چه آنها میخوانند بدهند  
مثلا فلا رعیت بیچاره که بشیر می آید  
و بسایز یکسال زحمت میخوانند چند خود  
کریاس برای پوشاک زن و بچه خود  
بفردیاید دستر یکسال خود را تقدیم  
کنند تازه نصف بیشتر بن عائله های  
باید لغت بناد تا باین برای اینکه  
زندگی این دسته مردمان که اکثریت  
سکته کردستان را تشکیل می دهند تا باین  
کردیاید از اجاف این صنعتگران خون  
آشام چلو گیری کرد و پالچو گیری از  
این بی عدالتی اولاً زندگی معنی قدری  
بکشند تا باین وقت مادی که آنها  
تولید کنندده این منی باشد نترالی  
خواهد داد

## آقای هجته استحضار آفرین

### محترم سقز

چون آقای اسمعیل هوساری موزع  
بخش جرایم است و روزنامه مخصوصا  
کوستنا توسط ایشان به آدرس آقایان  
مشرکین فرماده میباشند که در  
موتیرتگی روزنامه به محض وصول دست  
بدمت آقایان رسیده است لطفاً دانر نامه ای  
راستمنفر فرمایند  
و اینست روزنامه کوهستان کلاهی